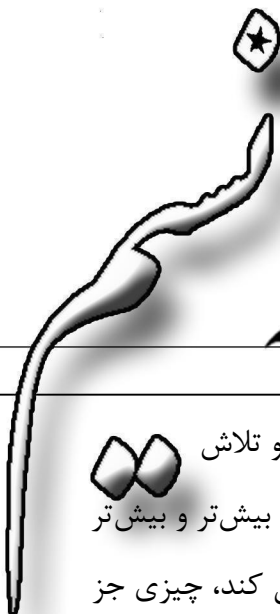




کاسنامه



رویکرد ما

علیرضا ثقفی خراسانی

اگر از آینده صحبت می‌کنیم نمی‌توان بی توجه به حال و گذشته بود. آن هنگام که از آینده صحبت می‌کنیم تنها می‌توانیم وجوهی از آن را مشخص کنیم که با حال و گذشته متفاوت باشد، زیرا که شناخت عرصه چندگانگی است و اگر حال و گذشته و آینده یکی بود، ما به شناخت از هیچ کدام دست نمی‌یافتیم و از هیچ کدام تصویری مشخص نداشتیم زیرا در یکسانی و یگانگی، شناخت مفهوم ندارد. پس آنجا که از تفاوت صحبت می‌کنیم در آینده باید چیزهایی را نداشته باشیم که نادرست بودنش تا امروز ثابت شده است و چیزهایی را داشته باشیم که درستی آن قطعی شده باشد. به این ترتیب ابتدا می‌توانیم وجوه نفی را در مورد آینده بازگوییم تا سپس به وجوه اثباتی آن برسیم. این مساله تنها به تعریف آینده محدود نمی‌شود، بلکه هر تعریفی از حصر و نفی غیر آغاز می‌شود. تا پدیده‌ای را از پدیده‌ای دیگر جدا نکنیم نمی‌توانیم به شناخت آن بپردازیم، پس ابتدا در وجوه نفی و جدایی آینده از حال صحبت می‌کنیم. آینده‌ای که در آن ظلم و ستم نباشد آینده‌ای که در آن انسان گرسنه نباشد، آینده‌ای که در آن کودکان خیابانی، زن خیابانی، انسان بی‌خانمان، تجارت اعضاء بدن انسان و ناامیدی از زندگی و...

نباشد. پس آن چه تا کنون از آینده گفتیم همان تعریف سلبی است، یعنی درست همانند آن که بگوییم، لباسی که زرد نیست و سفید نیست و ... نیست اما نگفته ایم چه رنگی است. اگر از آینده صحبت می‌کنیم باید بتوانیم بگوییم که چه رنگی است و این چه رنگی بودن را ابتدا با رنگ‌های نبودن مشخص کرده و به تدریج به خود آن نزدیک می‌شویم. که آینده از نظر ما همان چیزی است که در حال رسیدن است، هرچند دیر.

آینده را نمی‌توان بدون ارزیابی گذشته و جریان حال مشخص کرد. آنچه از گذشته باقی مانده است در حال جریان دارد و آنچه در حال جریان دارد، زمینه‌ای برای آینده است. آنگاه که آینده را با وجوه سلبی تعریف می‌کنیم در حقیقت به نفی حال پرداخته‌ایم و آنچه را از حال منفی می‌دانیم باید مشخص کنیم.

آن چه دیگر امروز همگان بر آن اعتراف دارند که شرایط نابسامان اقتصادی و اجتماعی موجود است که حتا در این شرایط نابسامان بزرگ‌ترین حاکمان و قدرتمندترین قدرت‌مندان نیز به آینده تداوم همین وضع موجود امیدوار نیستند، زیرا، اگر امیدوار بودند و حاکمیت خود را ابدی می‌دانستند دیگر نیازی به راه‌اندازی هر روزه جنگ‌ها و ستیزها و کشتن زنان و کودکان و تخریب شهرها و غیره نبود پس آن که تهاجم می‌کند، آن که بمب می‌ریزد، آن که سلاح کشتار جمعی را هر روز

گسترش می‌دهد و تلاش می‌کند تا هر روز بیش‌تر و بیش‌تر حتا فضا را نظامی کند، چیزی جز

ناامیدی و ترس از آینده ندارد. اگر میزان سلاح‌های هسته‌ای به اندازه‌ای گسترش می‌یابد که قادر است چندین بار کره زمین و تمدن بشری را نابود کند، آیا چیزی جز ترس و ناامیدی از آینده را بازگو می‌کند؟ اگر با آن که ابر قدرت هستی و همه جهان را زیر سلطه و حاکمیت خود داری و ارتش وسیع یا سلاح سهمگین در اختیار توست باز هم از کشور کوچکی مانند بولیوی و یا از حزب کوچک طرفدار آزادی در فلان گوشه جهان می‌ترسی، چیزی جز ناامیدی برای بقای خود را یدک می‌کشی؟ آیا اگر حکومتی قدرتمند دارای صدها هزار ارتش و نیروی انتظامی و امنیتی و غیره هستی، باز هم از چند دانشجوی ناراضی و معترض می‌ترسی و آن‌ها را زیر فشارهای چند جانبه قرار می‌دهی آیا چیزی جز ترس و ناامیدی خود را به نمایش می‌گذاری؟

در این جا پرداختن به این مساله را در همین حد کافی می‌دانیم و در مقالی دیگر به آن خواهیم پرداخت؛ ولی این تازه ناامیدی در وجه قدرت و حکومت است که ناامیدی و ترس از آینده را چنین به نمایش می‌گذارد، اما قطعاً در وجه محکومین و آنان که زیر سلطه و حاکمیت زور و زر قرار دارند و اساساً زیر حاکمیت سرمایه هستند این ناامیدی به آینده با تداوم وضع موجود بیش‌تر است، یعنی

آنان که هر روز فقیرتر می‌شوند، محروم‌تر نیز می‌شوند و به قول تظاهرکنندگان فرانسوی که می‌گفتند «به خیابان‌ها بریزید قبل از آن که شما را به خیابان بریزند!» و تظاهرات عظیم و شورش‌های ناگهانی سال‌های دور و نزدیک همه گواه بر آن است که محکومین نیز در تداوم وضع موجود هیچ گونه امنیتی را احساس نمی‌کنند، پس اولین مسأله‌ی نفی نظام موجود، نبود امنیت است که همگان به آن دچار هستند، چه حاکم که از ترس شورش محکوم خواب راحت ندارد و چه محکوم که از ترس بی‌خانمانی، بی‌کاری و گرسنگی امنیتی احساس نمی‌کند و این خود اولین نفی نظام موجود است، که اگر تداوم یابد، یا با سلاح‌های مخرب ساخت دست بشر از میان می‌رود و یا با شورش‌ها و جنگ‌های دایم، از زندگی سلب امنیت همیشگی می‌شود.

و اما دومین مسأله نفی هر نظام همان غیرانسانی بودن آن است. در حالی که طبق آمارهای سازمان ملل نزدیک به یک چهارم از مردم جهان در فقر مطلق زندگی می‌کنند، یعنی در حالت گرسنگی و بی‌سرپناهی، روزگار می‌گذرانند، چگونه می‌توان به این نظام پسوند انسانی داد. در حالی که در کشور خود ما طبق گفته مقامات رسمی ۷/۵ میلیون نفر در فقر مطلق، یعنی در گرسنگی و بی‌خانمانی روزگار می‌گذارند، پس چگونه می‌توان این نظام را انسانی نامید؟ این در حالی است که کشور ما به لحاظ درآمد یکی از ثروتمندترین کشورها است.

این چگونه نظامی است که با همه پیشرفت‌های تکنولوژیکی و علمی و با همه افزایش در تولید محصولات و مواد

غذایی و با داشتن این همه امکانات و ابزار پیشرفته و با وجود آن همه نیروی کار بی‌استفاده، هنوز نمی‌تواند برای فرزندان آدم غذای کافی تهیه کند، در حالی که در سال‌های دور انسان‌ها بدون دسترسی به ابزار پیشرفته، می‌توانستند از شکار و ماهی‌گیری و استفاده از میوه‌های جنگلی طبیعی شکم خود را سیر کنند، این چگونه نظامی است که می‌تواند آن قدر سلاح بسازد تا چندین بار کره زمین را نابود کند، اما نمی‌تواند غذای لازم برای کودکان خود فراهم آورد؟ این چگونه نظامی است که جنگل‌ها و مراتع و آب‌ها را آلوده می‌کند، نابود می‌کند، و آن‌ها را به مالکیت خصوصی افراد معدودی درمی‌آورد، اما از گذاردن آنها در اختیار بیش از یک میلیارد بی‌کار خودداری می‌کند. زیرا نکند که آنها بتوانند غذای کافی برای خود و فرزندان خود تهیه کرده و از فروش نیروی کار خود به قیمت ارزان سرباز زنند. پس این نظام نفی خود را در خود دارد، زیرا که غیر انسانی است.

و این نظام غیرقابل دوام است، زیرا که اساس آن سود است و نه انسان، اما سود در چه مفهومی اساس این نظام را تشکیل می‌دهد؟ سود به آن مفهوم است که هیچ فردی جز برای منفعت شخصی حرکتی انجام ندهد، باید مبنای هر فعالیت و تلاشی دریافت سهمی اضافه از نعم مادی و تصاحب دارایی بیش‌تر از مجموعه‌ی ثروت انسانی باشد. اگر کاری انجام می‌دهی نه برای بهتر شدن زندگی بشر و نه برای کشفی جدید از دنیای ناشناخته‌ها، که باید

حتما در آن کار منافع شخصی و انگیزه‌های سودآور نهفته باشد، زیرا که هیچ‌کس از ابنای بشر هم بدون انگیزه‌ی سود و نفع فردی کاری برای تو صورت نخواهد داد. این سودپرستی تا به آنجا کشیده می‌شود که علم و دانش و یافته‌های بشر تا به امروز به صورت کالایی در دست صاحبان سرمایه برای بالا بردن سود مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگر دانش و آگاهی بشر در طی قرن‌ها در این زندگی پرماجرایی فرزندان بشر بدست آمده است و اگر انسان‌ها در مصاف با طبیعت به تجربیات گران‌بهای دست یافته‌اند و همواره و در طول تاریخ انتقال علم و دانش از نسلی به نسل دیگر به صورت رایگان صورت می‌گرفته است، اما امروز به دست آوردن هرگونه دانش و آگاهی درباره ساده‌ترین دستاوردهای بشری و علوم انسانی و طبیعی، جز با پرداخت پول و جز با انگیزه‌ی سود از فردی به فرد دیگر انتقال نمی‌یابد. خصوصی شدن آموزش و پرورش و خصوصی شدن بهداشت و همچنین فروش و خصوصی کردن منابع طبیعی همانند آب‌ها و جنگل‌ها، هیچ معنایی به جز انحصار نعمت‌های طبیعی در دست عده‌ای خاص ندارد. امروزه خصوصی شدن از فروش سواحل دریاها و رودخانه‌ها گرفته تا مراتع و چراگاه‌ها و همه‌ی آن مکان‌های آزادی که هیچ‌گاه در دست افرادی خاص نبوده‌است، باعث شده تا مکانی طبیعی برای تنفس آزاد به سختی در دسترس همگان قرار داشته باشد. وقتی می‌خوانیم که بیش از ۵۰۰ هزار اختراع ژنتیکی در حوزه‌ی علوم پزشکی و کشاورزی به ثبت خصوصی درآمده و در اختیار صاحبان سرمایه

قرار گرفته‌اند، قطعاً به معنای آن است که دیگران را در این حوزه‌ها راهی نیست و اگر امروزه کشاورزان برای دستیابی به بذر اصلاح شده‌ای که محصول کار پدران‌شان است باید حتماً از فلان کمپانی اجازه دریافت کنند و در قبال آن امتیاز پول بپردازند، این مساله به مفهوم خرید دانشی است که نسل‌ها پس از نسل در اختیار بشر بوده است. و اگر امروز داروهای پزشکی در انحصار چند کمپانی داروسازی است به مفهوم آن است که دانش بشر در زمینه‌ی درمان بیماری‌ها که همواره در اختیار مردم سراسر دنیا قرار داشته است، به انحصار چند کمپانی درآمده که تنها برای بالا بردن سود خود، همه روزه در فکر وارد کردن دارویی جدید به بازار هستند تا بتوانند بر ثروت خود بیافزایند. هزاران متخصص و صاحب نظر استخدام می‌شوند تا با برنامه‌ریزی‌های دقیق راه‌های جدید بالا بردن سود را کشف کنند. راه‌هایی که بتوان از آن طریق هر چه بیشتر به نیروی کار ارزان‌تر و تصاحب توانایی دیگران دست یافت و بر سود سرمایه افزود. اما در برابر این سودهای کلان که به جیب عده‌ای خاص می‌ریزد، چه دستاوردی برای بشر به ارمغان می‌آید؟ به قول «پلان یا» که می‌گوید: سیستم جهانی‌سازی همان سیستمی است که یک کتابخانه در آلبرتا می‌سازد، و یک توالی عمومی در برزیل، اما میلیون‌ها هکتار جنگل را نابود می‌کند و هزاران آبراه سالم را آلوده می‌سازد. و یک سوم انسان‌ها را از دست‌آورده‌های تکنولوژی و داشتن یک زندگی راحت محروم می‌کند. و کل سیستم انسانی را در ناامنی و وحشت از آینده قرار می‌دهد.

این سیستم چگونه قابل دوام است؟ پس راه آینده نه این است که امروز است.

اما هرگاه که ما این حرف‌ها را زده‌ایم عده‌ای بلافاصله ما را متهم می‌کنند که شما می‌خواهید به شوروی سابق برگردید، می‌خواهید نظامی مثل کوبا و کره شمالی برقرار کنید. می‌خواهید دوباره دیکتاتوری استالینی برپا نمایید و اردوگاه‌های کار اجباری و غیره را به وجود آورید و ... این مساله درست همانند آن می‌ماند که بگویم مبارزین دوران کمون پاریس می‌خواستند به دوران انقلاب کبیر فرانسه برگردند یا جنبش اروپا در سال ۱۹۶۸ می‌خواست کمون پاریس تشکیل دهد. در جواب این آقایان باید گفت که جنبش‌ها و حرکات‌های اجتماعی و تغییرات احتمالی مبتنی بر آن، محصول شرایط اجتماعی و اقتصادی هر زمان خاص بوده است و از اراده چندروشنفکر و نظریه‌پرداز خارج است. اگر نظام کنونی در همه زمینه‌ها به بن‌بست رسیده است و اگر جنگ‌ها و ستیزها و طغیان‌های اجتماعی هر روز گسترده‌تر می‌شود، به‌خاطر نظریات صاحب نظران نیست، بلکه این ذات نظامی غیرانسانی و سودپرست است که تضاد اصلی آن، در تولید اجتماعی نعم مادی از یک طرف و مالکیت انحصاری عده‌ای انحصارطلب از طرف دیگر است. تولید اجتماعی‌ای که در آن نیروی کار انسان‌ها همه چیز را بوجود می‌آورد و در برابر سود آن را صاحبان سرمایه تصاحب می‌کنند و میلیون‌ها کودک و بزرگ از گرسنگی جان می‌دهند و یا در جنگ

هایی که برای داشتن سهم بیش‌تر میان صاحبان سرمایه در می‌گیرد، جان خود را از دست داده و بی‌خانمان می‌شوند. اما نظام آینده نباید چنین باشد. پس چه باید باشد؟ شاید بتوان از این تعریف‌های منفی به تعریف مثبت رسید و آن این‌که اساس نظام آینده انسان است، نظامی که در آن تولید نه برای سود بیش‌تر که برای زندگی بهتر انسان است و در آن احترام به انسان و حقوق انسانی در درجه اول اهمیت قرار خواهد داشت. نظامی که در آن تولید به گونه‌ای سازمان یابد تا انسان گرسنه سیر شود، تا هر انسان در آن حق حیات داشته باشد، مواد غذایی به اندازه‌ای وجود داشته باشد تا همه از امکانات اولیه یک تغذیه مناسب برخوردار باشند. هم اکنون در حالی که در تعدادی از کشورها چاقی و اضافه وزن یک بیماری است و عده‌ای از آن رنج می‌برند در بیش‌تر از کشورهای دیگر انسان‌ها از سوءتغذیه رنج می‌برند، و این در حالی است که تولید مواد غذایی با پیشرفت تکنولوژی می‌تواند چند برابر تعداد جمعیت فعلی کره زمین را سیر کند اما تولید کالای کشاورزی در جهت سیستم بازار و آن هم بازار سرمایه داری مانع از ایجاد سیستم صحیح کشاورزی می‌شود. در حالی که در بسیاری از شهرهای بزرگ به علت ازدیاد اتومبیل راه رفتن مشکل‌دور دست به علت نبود وسیله برای رسیدن به بیمارستان جان می‌دهند. زیرا که رسیدن این بیماران به مراکز درمانی سودی برای سرمایه‌ها در بر ندارد اما تولید اتومبیل برای شرکت‌های بزرگ سودآوری دارد و در حالی است که در بسیاری از کشورها ازدیاد کادر پزشکی به

بی‌کاری آنها منجر می‌شود. در بسیاری از مناطق به علت نبود کادر پزشکی انسان‌ها از خدمات اولیه بهداشت محرومند و از این محرومیت جان می‌دهند، زیرا که ایجاد مراکز پزشکی در مناطق عقب‌مانده سودی برای سرمایه‌ها دربر ندارد. در حالی که بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها از بیکاری رنج می‌برند، بسیاری از مناطق مسکونی هم از تحصیل و وجود مدرسه محرومند، زیرا که ایجاد مدرسه و آموزشگاه در آن مناطق سودی ندارد. در حالی که کالاهای کشاورزی و بهداشتی و آموزشی مورد نیاز بشر است، هزاران هزار ساعت وقت و تخصص و میلیاردها سرمایه برای تبلیغ کالای لوکس و بی‌خاصیت مصرف می‌شود تا فرهنگ مصرف را افزایش دهد. این نظامی که باید دگرگون شود تا دنیا قابل زندگی باشد. ناامنی از میان برود. جنایت و دزدی و رشوه خواری و هر آنچه بدی و پلشتی است جایی در آن نداشته باشد.

کلام آخر، در چنین آشفته بازاری باید راه را از چاه تمیز داد. در شرایطی که همه گونه وسایل تبلیغاتی و ماهواره، رسانه و غیره یا در دست حکومت‌ها و قدرت‌های فایقه است و یا در دستان شرکای فرودست حاکمیت است، آن قشر از حاکمیت که در حال حاضر قدرت دولتی ندارد اما در مجموع جزیی از حاکمیت است، و یا بهتر بگوییم مدافع ساختار موجود جهانی است و می‌خواهد خود را جایگزین دولت‌های موجود کند. می‌دانیم که کل حاکمیت حکومت را در دست ندارد، بلکه این بخشی از طبقه حاکمه است که دولت و دستگاه دولتی را در دست دارد. به‌همان گونه که

احزاب کارگر و محافظه‌کار هر دو وابسته به طبقه حاکمه اند. اما هر زمان یکی قدرت را در دست دارد و دیگری شریک فرودست آن است. امروزه شرکای فرودست قدرت، که هر کدام وابسته به بخشی از سرمایه داری حاکم هستند، در پی کسب قدرت، در جهت اپوزسیون‌سازی حرکت می‌کنند و این اپوزسیون‌سازی با همکاری مجموعه‌ی حاکمیت است. آنها با انتقاد از وضع موجود این گونه القا می‌کنند که گویا مشکل فقط در نحوه حکومت است و اگر مثلاً بخشی از اصلاح‌طلبان و یا به اصطلاح بخش دموکرات سرمایه داری به سرکار بیاید مشکلات حل خواهد شد. بیکاری تخفیف مییابد، تامین اجتماعی گسترش یافته و رفاه عمومی ایجاد می‌شود. آن‌ها گاه با مبارز نشان دادن خود و انتقادهای شدید از حکومت‌ها، خود را ناجی مردم نشان می‌دهند و در این میان محافظه‌کاری بخش‌های میانی را به کمک می‌طلبند. آنها با راه‌اندازی موسسات خیریه و به (NGO) اصطلاح نهادهای غیردولتی سعی دارند خود را خیرخواه مردم معرفی کرده و با اصلاحات جزیی، و طرفداری از حقوق زنان و کارگران و اقشار فرودست به تداوم نظام حاکم کمک کنند. سیستم این اصلاحات به طور عمده بر پرداخت صدقه و گسترش سیستم حمایت ظاهری از فقرا قرار دارد. گسترش سازوکاری که در نهایت به صدقات کلیسایی ختم می‌شود. آنها از یک طرف خودشان در راه‌اندازی جنگ و کشتار شریک هستند و از این طریق به تثبیت نظام حاکم کمک می‌کنند و از طرف دیگر با راه‌اندازی

کمک‌های بشر دوستانه صلیب سرخی و غیره سعی در تخفیف فشار بر مردم جنگ زده دارند، تا خودشان را به عنوان صلح‌طلب و نجات‌دهندگان مردم معرفی کنند - در عین حال تمام تلاش خود را در جهت بدنام کردن مبارزان واقعی راه آزادی به کار می‌برند. تلاش می‌کنند تا هر جنبش آزادی‌خواهانه‌ای را به گونه‌ای وابسته به خودشان نشان داده و بدنام کنند. تمام تلاش‌شان را بکار می‌برند، تا مبارزان واقعی را از مردم جدا کرده و مردم را به آنها بدبین کنند. در چنین شرایطی آگاهی مردم از مشکلات واقعی نظام موجود و روشن کردن تضادهای اصلی در سیستم اقتصادی و اجتماعی وظیفه‌ی همه فعالان اجتماعی است، که به دنیای متفاوت از آنچه که هست، اعتقاد دارند. آروزی ما آن است که در این راه بتوانیم گامی هر چند کوچک برداریم.

منابع:

- کار و کارگر ۸۵/۵/۱۰: سالانه ۸۵۰ هزار شاغل ایرانی بیکار می‌شوند.

- شرق ۸۵/۵/۸: سود شرکت نفتی در سه ماهه دوم سال ۲۰۰۶، ۳۴ میلیارد دلار بوده‌است.

- مراجعه به آمار سازمان توسعه ملل متحد

- صفحه ۴۶ (مک نالی: جهانی دیگر ممکن است)

رشد درآمد سرانه:

آمریکای لاتین در سال 1960-1980 = 73 درصد مثبت. در سال 1980-2000 = 7 درصد مثبت.

آفریقا در سال 1960-1980 = 34 درصد مثبت در سال 1980-2000 = 23 درصد منفی

امپریالیسم در قرن بیست و یکم. جمیز پتراس

زنده باد سوسیالیسم

ICEM خواستار محکومیت حمله نظامی به اتحادیه کارگران عراق شد

مجمع جهانی اتحادیه کارگران نفت (ICEM) خواستار محکومیت گسترده حملات اخیر نیروهای آمریکایی و عراقی به دفاتر اتحادیه های کارگری در بغداد شد. به نقل از سایت اینترنتی مجمع جهانی اتحادیه کارگران نفت (ICEM)، به دنبال این ۲ حمله، یکی از کارگران بازداشت و چندین دستگاه رایانه و فکس در دفتر مرکز اتحادیه کل کارگران عراق (GFIW) مصادره و ضبط شد. این حملات یک بار در ۲۳ فوریه و بار دیگر در ۲۵ فوریه امسال اتفاق افتاده بود. بر پایه این گزارش، مجمع جهانی اتحادیه کارگران نفت از اتحادیه های کارگری و دیگر سازمان ها خواست تا اعتراض خود را از طریق ارسال نامه به سفارت های عراق در کشورهایشان اعلام کرده و با ارسال پیام به سران اتحادیه کل کارگران عراق، حمایت خود را از اقدامات این اتحادیه برای ساختن اتحادیه های کارگری قدرتمند در عراق اعلام کنند. ICEM از اتحادیه های کارگری خواسته است تا اعتراض خود را به سفارت و یا کنسولگری عراق در کشورها از طریق آدرس اینترنتی .

[HTTP://WWW.MOFA.GOV](http://www.mofa.gov)

[IQ/INDIA.ASPX](http://www.mofa.gov/iq/india.aspx) اعلام کنند. این

اتحادیه همچنین از آنان خواست تا با فرستادن پیامهایی به سران GFLW، اعتراض خود را به این حملات مزدورانه اعلام کنند ۱۳۸۵/۱۲/۱۹

تجمع همزمان کارگران ۳ کارخانه در مقابل استانداری گیلان

کارگران کارخانه های نخ تاز فومن، کاشی گیلان و پرسان رشت صبح روز چهارشنبه ۲۳ اسفند ماه در مقابل استانداری گیلان تجمع کرده و خواستار پرداخت مطالباتشان شدند. ۱۵۰ کارگر شرکت نخ تاز، ۱۲۰ کارگر کارخانه کاشی گیلان و ۸۰ کارگر شرکت پرسان رشت که برخی از مطالبات معوقه خود را دریافت نکرده اند رسیدگی به مشکلات و پرداخت حقوق و مزایای خود را خواستار شدند.

تجمع همزمان کارگران ۲ واحد تولیدی و صنعتی در مقابل مجلس رژیم

صبح روز سه شنبه ۱۵ اسفند ماه کارگران "صنایع الکترونیک دماوند" و شرکت های زیر مجموعه ضمن تجمع در مقابل مجلس رژیم اسلامی خواستار پرداخت مطالباتشان شدند.

کارگران شرکت صنایع الکترونیک دماوند و شرکت های الکترونیک مدرن و پژوهش سعادت ۱۵ ماه حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده و مدیران این واحد ها تمامی کارگران رسمی و قرار دادی را اخراج کرده اند.

همزمان با این تجمع کارگران شرکت "چوب طالقانی" نیز در مقابل مجلس تجمع کرده و خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شدند.

کارگران شرکت "چوب طالقانی" که ۶ ماه حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند، همچنین بی توجهی مسئولین رژیم در خصوص مشکلاتشان را محکوم کردند

ادامه اعتراضات معلمان و تجمع خانواده های معلمان بازداشت شده در مقابل دادگاه انقلاب تهران

صبح روز شنبه ۲۶ اسفند ماه و بر اساس قرار قبلی، معلمان تهران و نمایندگان تشکلهای صنفی معلمان تصمیم داشتند تا در مقابل مجلس رژیم دست به تجمع بزنند، اما رژیم با استقرار هزاران نفر از نیروهای خود اجازه برگزاری این تجمع را به صورت گسترده نداد. گزارشها حاکیست که معلمان برای مدت کوتاهی در حد فاصل میدان توپخانه و بهارستان تجمع کردند، اما نیروهای امنیتی رژیم بلافاصله آنان را متفرق کردند.

از سوی دیگر خانواده های ۴۰ نفر از معلمان بازداشت شده صبح روز شنبه در مقابل دادگاه انقلاب تهران تجمع کرده و خواستار آزادی آنان شدند

حمایت کارگران ایران از معلمان دستگیر شده از سوی رژیم

جمعی از تشکلهای و فعالین کارگری در سراسر ایران با صدور بیانیه ای ضمن حمایت از معلمان بازداشت شده از سوی رژیم اسلامی، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی دستگیر شدگان شده اند.

در بخشی از این بیانیه آمده است: روز ۲۳ اسفند ماه تجمع معلمان در مقابل مجلس شورای اسلامی مورد تهاجم نیروهای انتظامی و امنیتی قرار گرفت و طی آن، بسیاری از معلمان بشدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته و جمع کثیری نیز بازداشت شدند.

خواست اصلی معلمان اجرای نظام هماهنگ پرداختها و برخورداری از یک زندگی انسانی و شرافتمندانه است، این خواست و تجمع برای دستیابی به آن، حق مسلم معلمان است. اما در این جامعه، به جای پاسخگویی به خواست های معلمان و تلاش برای فراهم کردن یک زندگی انسانی برای آنان، با باتوم به جان این شریف ترین انسانهای جامعه می افتند و در روزهای پایانی سال صدها نفر از آنان را بازداشت و روانه زندان میکنند.

این برخورد وحشیانه به مربیان فرزندان ما و آموزش دهندگان امروز و فردای جامعه، اهانتی عریان به شان و حرمت همه آحاد مردم است و بی تردید عاملین و آمرین چنین سیاستهایی، بیش از پیش مورد انزجار و تنفر مردم قرار خواهند گرفت.

بیانیه مذکور به امضای تشکلهای کارگری از جمله هیئت مؤسس اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار، جمعی از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، کارگران اخراجی و تعلیقی نساجی کردستان، کارگران کارخانه نساجی شاهو، کارگران اخراجی کارخانه الومین، کارگران اخراجی پیریس، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه و کارگران گرداننده سایت شورا رسیده است.

تظاهرات مردم آمریکا علیه جنگ در عراق

علیرغم سرمای شدید هوا دهها هزار نفر از مردم آمریکا روز شنبه ۲۶ اسفند ماه در شهرهای مختلف این کشور از جمله واشنگتن، لس آنجلس و سان فرانسیسکو دست به تظاهرات زده و خواستار پایان دادن به جنگ در عراق و خروج نظامیان آمریکایی از عراق و افغانستان شدند.

در جریان تظاهرات در شهر "واشنگتن" که در مقابل بنای یادبود قربانیان جنگ ویتنام و همچنین وزارت دفاع آمریکا برگزار شد، دهها هزار تظاهرکننده خواستار پاسخگویی بوش در خصوص فجایع جنگ در عراق و افغانستان شدند.

تظاهرات دهها هزار نفری مخالفان جنگ در کشورهای اسپانیا، یونان و ترکیه

همزمان با چهارمین سالگرد حمله نظامی آمریکا به عراق، روز شنبه ۲۶ اسفند ماه کشورهای مختلف جهان شاهد تظاهرات صدها هزار نفری مخالفان جنگ بود.

دهها هزار نفر از مردم اسپانیا بنا به دعوت گروههای مخالف جنگ و اتحادیه های کارگری با برگزاری تظاهراتی در "مادرید" پایتخت و دیگر شهرهای این کشور مخالفت خود را با جنگ اعلام و خواستار پایان جنگ در عراق شدند.

هزاران نفر از مردم یونان نیز در مقابل سفارت آمریکا در "آتن" پایتخت این کشور دست به تظاهرات زده و سیاستهای جنگ طلبانه دولت بوش را محکوم کردند.

همزمان شهر "استانبول" در ترکیه نیز شاهد تظاهرات هزاران نفری مردم این کشور علیه جنگ در عراق بود که طی آن تظاهرکنندگان خواستار توقف جنگ و خشونتها در عراق شدند.

ادامه تظاهرات جهانی علیه جنگ در عراق

در حالی که روز شنبه ۲۶ اسفند ماه صدها هزار نفر از مردم در کشورهای آمریکا، اسپانیا، ترکیه، یونان و استرالیا علیه جنگ در عراق دست به تظاهرات زدند، روز یکشنبه ۲۷ اسفند نیز چندین کشور دیگر شاهد تظاهرات گسترده مردمی علیه جنگ بود.

هزاران نفر از مردم ژاپن روز یکشنبه با برگزاری تظاهراتی در شهر "توکیو" پایتخت این کشور شعارهای "مرگ بر بوش، در عراق کشتار نکنید و نه به جنگ و خونریزی" سر داده و خواستار پایان جنگ در عراق شدند.

کوالالامپور پایتخت مالزی، سانتیاگو پایتخت و چندین شهر دیگر در کشور شیلی، لاهه و آمستردام در هلند، برلین پایتخت آلمان، رم پایتخت و چندین شهر دیگر در ایتالیا و صدها شهر دیگر در سراسر جهان نیز روز یکشنبه شاهد تظاهرات میلیونی مخالفان جنگ بود که طی آنها مخالفان جنگ به صورت یکصدا جنگ در عراق را محکوم و خواستار پایان خونریزی در عراق و افغانستان شدند.